

نقش مساجد در پیروزی انقلاب اسلامی ایران

ناصر جمالزاده،^۱ مهدی امینیان^۲

چکیده

مساجد در صدر اسلام به دلیل عهده‌داری کانون اصلی ارتباط مردم به‌ویژه فعالان جامعه، کارکردهای فراوانی در نظام اجتماعی ایفا می‌کردند. در عصر جدید به‌دلیل تفکیک ساختاری و تقسیم کار به برخی از کارکردهای اجتماعی و سیاسی آن کمتر توجه می‌شود. با این حال در جریان انقلاب اسلامی ایران، مساجد نه‌تنها محلی برای عبادت که محلی برای فعالیت فرهنگی علیه رژیم و نظام اجتماعی حاکم تبدیل شد. با توجه به مطالب یادشده، نگارندگان برای تحلیل نقش مساجد در انقلاب اسلامی ایران از رهیافت کارکردگرایانه به‌ویژه نظریه‌های تالکوت پارسونز و رابرت مرتن بهره گرفته و با استناد به نمونه‌های تاریخی مرتبط با تحولات ایران در سال‌های انقلاب نشان داده‌اند مساجد ایران در آن سال‌ها با تجمیع همفکران، آموزش الگوهای ارزشی متضاد با ارزش‌های نظام حاکم به مردم و انتقاد از سیاست‌های حاکم بر نظام اجتماعی دوره پهلوی بر مبنای الگوهای ارزشی اسلامی، توانسته‌اند نقش عمده‌ای به همراه برخی دیگر از فعالان عرصه فرهنگی، در ایجاد اختلال در کارکرد حفظ الگوهای ارزشی و انگیزشی نظام اجتماعی حاکم و در نتیجه عدم تعادل آن ایفا کنند. این کارکرد به یاری یک کارکرد پنهان در مساجد یعنی سازمان‌دهی ارتباطات مبارزان انقلاب اسلامی شکل گرفت.

واژه‌های کلیدی

مسجد، انقلاب اسلامی ایران، کارکردگرایی، ارتباطات اجتماعی، شکاف فرهنگی،

جامعه‌شناسی سیاسی ایران

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۱/۳۰

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۰/۱۴

jamalzadeh@yahoo.com

۱. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه امام صادق^(ع)

mahdiar2612@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

❖ مقدمه

مساجد، مهم‌ترین نهاد سیاسی و اجتماعی جوامع اسلامی در طول قرون متمادی بوده و نقشی محوری و بی‌بدیل در اداره جامعه و تحولات آن ایفا کرده است. برای سالیان دراز، اولین اقدام والی هر شهر و خلیفه مسلمین به طریق اولی، خواندن خطبه‌ای در مسجد اصلی شهر بوده است. تمام نمازهای جمعه و گاهی تمام نمازهای مسجد اصلی شهر به امامت والی و خلیفه برگزار می‌شد و بیشتر ارتباط مردم با والی از همین طریق انجام می‌گرفت. بسیاری از اقدام‌های حکومتی مانند قضاوت، جمع سپاه، بسیج مردم برای فعالیت‌های مشترک و... در مساجد انجام می‌گرفت و حتی در زمان پیامبر اکرم (ص) چادرهایی برای درمان مجروحان جنگی در حیاط مسجد مدینه برپا شده بود. این همه نشانه اهمیت مسجد و از آن مهم‌تر، ظرفیت این نهاد برای ایفای نقش‌های مختلف با توجه به نیاز جامعه و شرایط زمانی و مکانی است. از این‌رو بررسی تحولات اجتماعی و سیاسی جوامع اسلامی حتی در زمانه ما، بدون توجه به نقش مسجد و ویژگی‌های آن، ناقص خواهد بود. این مهم در مورد تحولاتی همچون انقلاب اسلامی ایران که صبغه دینی آن در چشم ناظران سیاسی مشهود بوده و هست، ضروری‌تر می‌نماید. یکی از ویژگی‌های انقلاب ایران که آن را «اسلامی» جلوه داد، نقش مساجد است که توسط اندیشمندان مورد توجه قرار گرفته و انگیزه نوشتار حاضر را فراهم آورده است.

میشل فوکو مشاهده‌های خود را از تهران این‌گونه می‌نویسد:

تمام روز ملاها در مسجدها با خشم، از شاه، از آمریکا و از غرب و ماده‌پرستی آن حرف زده‌اند و مردم را به نام اسلام و قرآن، به پیکار با همه رژیم‌فراخوانده‌اند. هر وقت که مسجد کوچک بوده و برای مردم جا نداشته است بلندگوها را در خیابان نصب کرده‌اند و این صدا، صدایی به مهابت صدای ساوونارولا در فلورانس، صدای آناپتیس‌ها در مونستر یا صدای پرسیترا در روزگار کرامول، در همه ده یا در سراسر محله طنین‌انداز شده است... می‌دانید که این روزها چه

عبارتی بیش از هر چیز برای ایرانی‌ها خنده‌آور است؟ به نظرشان از هر حرفی
ابلهانه‌تر، خشک‌تر و غربی‌تر است؟ «دین تریاک توده‌هاست.» تا همین دوران
رژیم فعلی، ملاها [در روزهای جمعه] تفنگ در دست خطبه می‌خواندند...
(فوکو، ۱۳۸۹: ۲۹-۲۸).

نوشته‌های حمید عنایت (۱۳۷۷: ۵۰)، عمید زنجانی (۱۳۶۷: ۳۱)، لیلی عشقی (خرمشاد،
۱۳۸۴: ۵۰)، جان‌دی استمپل^۱ (۱۳۷۷: ۷۰)، احمد اشرف و همکاران (1983: 16) و جی.
اس. و تی. وای. اسماعیل^۲ (1980: 607) نیز در این مورد قابل توجه است.

فرضیه

مقاله حاضر با رویکرد مذکور، به بررسی نقش مساجد ایران به‌مثابه‌ کانون ارتباطات
مبارزان انقلاب اسلامی در سال‌های دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ شمسی می‌پردازد. فرضیه
نویسندگان، آن است که مساجد ایران توانستند با ایجاد اختلال کارکردی در نظام فرهنگی
دوره پهلوی، موجب عدم تعادل کلی در نظم اجتماعی آن دوره شده و بدین صورت یکی
از عوامل سرنگونی رژیم حاکم را فراهم سازند. در واقع نظام حاکم نتوانست خود را با
ارزش‌های جدیدی که مساجد در نظام فرهنگی حاکم وارد ساختند، تطبیق دهد و از این
طریق، تعادل خود را حفظ کند. مساجد در این دوره، کارکردی پنهان نیز در سازمان‌دهی به
ارتباطات مبارزان انقلاب اسلامی و از کار انداختن رسانه‌های جمعی حاکم داشتند.

چارچوب نظری و روش

چارچوب نظری مقاله، نظریه کارکردگرایی است و نگارندگان در میان نظریه‌پردازان
کارکردگرا، از نظریه پارسونز^۳ پیرامون کارکردهای چهارگانه نهادها در نظام اجتماعی و
ایده مرتون^۴ در مورد کارکردهای پنهان و کژکارکردها استفاده می‌کنند.

1. John D. Stempel
2. J. S. Ismael and T. Y. Ismael
3. Talcott Parsons
4. Robert King Merton

روش این نوشتار مراجعه به کتاب‌های تاریخی معتبر، تاریخ شفاهی مبارزان، مراکز بایگانی اسناد و مدارک مستند به‌جا مانده از مبارزه‌های انقلاب اسلامی ایران است.

قلمرو زمانی و مکانی

مستندات تاریخی پیرامون فعالیت مساجد از دوره زمانی ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ شمسی انتخاب شده و نگارندگان صرفاً در حوزه جغرافیایی کشور ایران به بررسی می‌پردازند.

تحلیل کارکردگرایانه از نقش مساجد در انقلاب اسلامی

رهیافت کارکردگرایانه، جزئی نسبتاً مغفول از اندیشه آگوست کنت^۱، دیدگاه کلی وی نسبت به علم جامعه‌شناسی بود که امیل دورکهایم^۲ در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ میلادی با تأثیرپذیری از وی آنرا بسط داد. پس از وی، مهم‌ترین نظریه‌پرداز در این رهیافت، تالکوت پارسونز جامعه‌شناس آمریکایی است که در اوایل نیمه دوم قرن ۲۰ میلادی به شرح نظریه خود پیرامون کارکردهای چهارگانه نظام اجتماعی پرداخت.

تالکوت پارسونز معتقد بود جوامع، نظامی خودتنظیم‌شونده‌اند و سازوکارهایی برای تطابق با شرایط جدید و حفظ تعادل و تداوم خود دارند. بر اساس آرای وی هر جامعه‌ای دارای نظامی اقتصادی برای تطبیق با محیط پیرامون و فراهم‌سازی منابع لازم برای تداوم حیات، نظامی سیاسی برای تعیین اهداف و دستیابی به آن، نظامی حقوقی - اجتماعی برای یکپارچگی و تنظیم روابط اجزا و نهایتاً نظامی فرهنگی برای ایجاد و حفظ الگوهای انگیزشی و توجیه عناصر نظام اجتماعی است. در واقع چهار بُعد از نظام اجتماعی چهار کارکرد اصلی این نظام را ایفا می‌کنند. پارسونز معتقد بود جامعه از طریق تطابق تدریجی با تغییرهای جدید در هر یک از چهار حوزه یادشده، حمایت از روش‌های مختلف اجتماعی‌شدن و به‌کار بردن زور در صورت ضرورت، سعی در حفظ

1. Auguste Comte
2. Emile Durkheim

تعادل خود می‌کند و از کنشگران انتظار دارد هر کدام، کارکرد خود را به‌خوبی ایفا کنند (گیدنز، ۱۳۸۵: ۶۶۹-۶۶۸).

رابرت مرتین در دهه ۱۹۶۰ میلادی نظریه پارسونز را با دو ایده کاربردی اصلاح کرد: تفاوت کارکردهای آشکار و پنهان، تفاوت کارکرد و «کژکارکرد»^۱. کارکردهای پنهان به کارکردهایی گفته می‌شود که شرکت‌کنندگان در آن پدیده، سازمان یا نهاد، نسبت به آن آگاهی ندارند، معمولاً به تدریج در کنار کارکرد آشکار شکل می‌گیرد و ناظران هم کمتر بدان توجه می‌کنند (نقیب‌زاده، ۱۳۸۹: ۲۰۹). کژکارکرد نیز به جنبه‌هایی از فعالیت اجتماعی اطلاق می‌شود که «مشوق ایجاد دگرگونی است» و «نظام روابط موجود را به رویارویی فرامی‌خواند». برای مثال اشتباه است اگر فرض کنیم دین به‌عنوان یک عنصر فرهنگی همواره به حفظ الگوها کمک می‌کند، زیرا گاهی ادیان منجر به شکاف اجتماعی و به چالش کشیدن الگوهای رسمی کنش می‌شوند (گیدنز، ۱۳۸۵: ۷۵۷-۷۵۶).

اکنون با توجه به مطالب گفته‌شده در رهیافت کارکردگرایانه، به ارائه تحلیل نقش مسجد در پیروزی انقلاب اسلامی پرداخته و در ادامه، مستندات تاریخی از ایفای نقش یادشده ارائه می‌شود:

مساجد به‌عنوان یک مؤسسه^[۱] فرهنگی در نظام اجتماعی دوره پهلوی دوم، بخشی از نظام فرهنگی برای ایفای کارکرد چهارم یعنی حفظ الگوی انگیزشی و ارزشی بودند. شاه که شعار رژیم پهلوی را «خدا، شاه، میهن» برگزیده بود، از مساجد انتظار داشت دعاگوی شاه به‌عنوان تنها حاکم سیاسی شیعه در جهان باشند، به عبادت به معنای اخص آن یعنی نماز و مانند آن پردازند و کاری به حکومت و مسائل اجتماعی و سیاسی نداشته باشند. وی خود نیز به مکه، مشهد، قم و مانند آن سفر کرد و خود را فردی معتقد به مبانی اسلامی و شیعی می‌دانست.

1. Dysfunctions

در سال‌های انقلاب اسلامی یعنی دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ شمسی، مساجد با ایفای کژکارکرد یعنی ترویج الگوهای ارزشی و انگیزشی متضاد با الگوهای رسمی از طرق مختلفی که در ادامه می‌آید، در کارکرد چهارم نظام اجتماعی دوره پهلوی ایجاد دوپارگی و تضاد کردند و حفظ الگوهای انگیزشی و نظام فرهنگی را در نظام اجتماعی اواخر پهلوی دچار عدم تعادل و آشفتگی ساختند. ایفای چنین نقشی، مؤثر بر و متأثر از ایفای یک کارکرد پنهان توسط مساجد بود: سازمان‌دهی به ارتباطات مبارزان انقلاب اسلامی، شکل‌دهی به یک شبکه اطلاع‌رسانی و از کار انداختن رسانه‌های رژیم شاه در میان توده‌های مبارز.

رژیم شاه تلاش فراوانی برای حل این تضاد و دوپارگی به کار برد تا دوباره تعادل را به حوزه فرهنگی برگرداند، اما با ناکام ماندن این تلاش‌ها به‌ویژه به دلیل فعالیت سازمان‌یافته مساجد و رویکرد نادرست رژیم در سرکوب این ارزش‌های جدید به جای تطبیق یافتن با آن، آشفتگی یادشده به سراسر نظام اجتماعی و کارکردهای دیگر سرایت کرد و نظام اجتماعی نتوانست تعادل خود را حفظ کند. در نتیجه، نظم دوره پهلوی از هم پاشید تا نظام سیاسی، اقتصادی، حقوقی و فرهنگی جدیدی جایگزین نظام‌های پیشین شوند و نظام اجتماعی را با توجه به این عامل جدید یعنی الگوهای انگیزشی و ارزشی جدیدی که عمدتاً توسط مساجد منتشر شده بود، به تعادل برساند.

مطالب یادشده، تحلیل کارکردگرایانه نگارندگان از نقش مسجد در انقلاب اسلامی با توجه به مستندات به‌جا مانده از آن دوره است، اما پیش از بیان مستندات تاریخی از ایفای کژکارکرد توسط مساجد در سال‌های انقلاب اسلامی، ذکر سه نکته ضروری می‌نماید:

- مفهوم «کژکارکرد» که مرتین آن‌را به کار برده است، کاربرد علمی دارد نه ارزشی. در واقع منظور از کژکارکرد، ایفای کارکرد اهریمنی، منفی یا حتی نادرست نیست، بلکه منظور از این مفهوم، ایفای نقشی متعارض با کارکردهای رسمی و مورد پذیرش نظام اجتماعی حاکم است. به کار بردن این مفهوم در مورد مساجد نیز در همین معنای اخیر

یعنی ایجاد تضاد با نظام فرهنگی حاکم بر ایران در دوره پهلوی صورت گرفته است؛
- وارد کردن عناصر ارزشی و انگیزشی جدید به نظام اجتماعی، تنها توسط مساجد صورت نپذیرفت. حوزه‌های علمیه، برخی از روشنفکران دانشگاهی، گروه‌هایی از دانشجویان و تعدادی از شاعران و فرهنگ‌دوستان مردمی نیز نقشی اثرگذار در ایجاد تضاد و اختلال در کارکرد حفظ الگوهای ارزشی و انگیزشی ایفا نمودند. با این حال، نوشتار حاضر تنها بر نقش مساجد تمرکز دارد؛

- نکته آخر اینکه منظور از الگوهای ارزشی «جدید»، استفاده از ادبیات پارسونز در این رابطه است و به معنای الگوهای متضاد با ارزش‌های رسمی و حاکم بر نظام اجتماعی است، وگرنه ارزش‌هایی که مساجد ترویج کردند، برگرفته از تعالیم اسلامی و شیعی بود که قرن‌ها در ایران وجود داشته است.

مستندات تاریخی تطبیق نظریه کژکارکرد بر نقش مسجد در انقلاب اسلامی

نهضتی که به رهبری امام خمینی^(ره) برای سرنگونی رژیم شاه شکل گرفت، از اوایل دهه ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷ شمسی ادامه یافت و نمونه‌های تاریخی از این دوره انتخاب شده است. این مستندات نشان می‌دهد مساجد ایران در سال‌های انقلاب اسلامی توانستند نقشی مؤثر در ایجاد اختلال در کارکرد چهارم نظم اجتماعی دوره پهلوی دوم یعنی حفظ الگوهای ارزشی و انگیزشی حاکم ایفا نموده و در نتیجه یکی از عوامل اصلی ایجاد عدم تعادل در نظم حاکم بودند.

ایفای کژکارکرد فرهنگی توسط مساجد به صورت‌های مختلفی انجام یافت که برخی از آنها عملاً نوعی کارکرد پنهان را نیز نشان می‌دهد. ترویج الگوهای ارزشی جدید، اول از همه نیازمند شکل‌دهی به یک شبکه از فعالان فرهنگی بود که خود به این ارزش‌های جدید معتقد باشند. مرحله بعد، آموزش این الگوهای فرهنگی متضاد با نظام فرهنگی

حاکم توسط این شبکه همفکر، به عموم مردم است. در این مرحله، دویارگی، تضاد و در نتیجه عدم تعادل در نظام فرهنگی جامعه بروز می‌کند. روحانیان و مبارزان اندیشمند انقلاب اسلامی سعی کردند عمده‌تاً الگوهای ارزشی اثرگذار بر مسائل اجتماعی و سیاسی را بیان کنند، مانند: عدالت، آزادی، استقلال از کفار، ولایت خدا و

از آنجا که سایر بخش‌های نظام اجتماعی حاکم، یعنی نظام اقتصادی، سیاسی و حقوقی، متناسب با نظام فرهنگی حاکم یا پیشین بوده است، تضاد آنها با الگوهای ارزشی جدید روشن می‌شود. این تضاد به مرحله سوم، یعنی انتقاد از نظام اجتماعی حاکم بر اساس الگوهای ارزشی جدید می‌انجامد که در واقع، عدم تعادل را به کل نظام اجتماعی سرایت می‌دهد. البته منظور از «مرحله» در مطالب یادشده، تقدم رتبه‌ای است نه زمانی. از این رو بخش عمده‌ای از این مراحل به صورت هم‌زمان پیش رفته است.

اکنون مستندات سه مرحله یادشده در ایجاد کژکارکرد فرهنگی توسط مساجد به ترتیب در سه بخش ارائه می‌شود. لازم به ذکر است مستندات جمع‌آوری شده بسیار فراتر از آن چیزی است که در پی می‌آید و ما در اینجا تنها نمونه‌های تاریخی محدودی را برگزیده‌ایم:

تجمع فعالان متعهد به الگوهای ارزشی متضاد (اسلامی) و تبادل فکری میان آنان

اسناد به‌جا مانده از انقلاب اسلامی نشان می‌دهد این نقش توسط مساجد در قالب‌های گوناگونی انجام می‌شده است که به صورت جداگانه به آن پرداخته می‌شود. همچنین از آنجا که بیشتر فعالیت‌ها در دوره انقلاب اسلامی از تهران مدیریت می‌شد، این نقش مساجد بیش از هر شهر دیگری در تهران بروز و ظهور یافته است:

یکی از برجسته‌ترین همکاری‌های صورت‌گرفته میان اندیشمندان اسلامی در مساجدی چون مسجدالجواد تهران ظهور کرد. آیت‌الله مفتاح در کنار همفکرانش «در مسجدالجواد تهران حضور یافت و... با همکاری استاد شهید علامه مرتضی مطهری^(ره) و شهید مظلوم آیت‌الله دکتر بهشتی، شهید حجت‌الاسلام دکتر محمدجواد باهنر و دیگر

دوستان، کلاس‌های متعددی در این مسجد منعقد نمود» (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۲، ج ۲۶: ۲۷). نمونه‌ای از همین کار در شهر بجنورد نیز انجام یافت (پایدار و دیگران، ۱۳۸۴: ۴۵۵).

علاوه بر این، گروه‌های دیگری نیز به همفکری پیرامون مسائل روز می‌پرداختند و نگرش‌های اسلامی خود را به اشتراک می‌گذاشتند. توکلی بینا از اهالی مساجد بازار تهران در این مورد می‌گوید: «در مساجد، اجتماعاتی بود. هر روز صبح و مخصوصاً ظهر و شب اینجا تجمع بود... افرادی بودند که اعلامیه پخش می‌کردند، اطلاعات رد و بدل می‌شد و پایگاهی بود که مردم از آنها کاملاً بهره‌گیری می‌کردند، خصوصاً از طبقه مبارز...» (مهری، ۱۳۸۳: ۲۶). شهید سید علی اصغر دستغیب نیز در خاطرات خود می‌گوید:

از سال ۱۳۴۸ به پیشنهاد بعضی جوانان متدین، شب‌های سه‌شنبه جلسه‌ای علنی در مسجد حاج میرزا کریم، واقع در یک از محله‌های قدیمی شیراز... تشکیل یافت. به تدریج مسجد حاج میرزا کریم در آن جو اختناق به‌عنوان یکی از کانون‌های فعالیت انقلابی و مبارزه علیه رژیم طاغوت شناخته شده و حساسیت ساواک نسبت به آن روزافزون می‌گردید (نظری مقدم، ۱۳۹۰: ۸۰).

یکی از نشانه‌های حضور این فعالان همفکر در مساجد، نصب مطالبی بر در و دیوار مسجد بود که نشان‌دهنده مبانی فکری آنان نسبت به وضعیت جاری تلقی می‌شد. برای مثال سند شماره ۷۸۸۰۰ ساواک تهران که در مرداد ۱۳۵۴ شمسی ثبت شده است، نشان می‌دهد در مسجد جلیلی تهران، مواردی مانند «اسلام یعنی تحرک»، «مسلمان، سکوت یعنی چه؟»، «فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجراً عظیماً» و... بر دیوار مسجد نصب شده بود (میزبانی و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۲۳).

امامان جماعت مساجد نیز نوعی همفکری و تبادل آرا در میان خود داشتند. در بولتن محرمانه ساواک مربوط به اخبار سه ماهه ۱۳۵۰/۹/۲۵ تا ۱۳۵۰/۱۲/۲۵ آمده است جمعی از امامان جماعت مساجد شهرستان شیراز پس از تبعید حجت‌الاسلام مجدالدین محلاتی از

امامان جماعت شیراز، گرد آمده و خطاب به یکی از مراجع قم جهت کسب تکلیف نامه ارسال نمودند و این نشان‌دهنده همفکری این گروه فعال در مساجد برای اتخاذ مواضع ارزشی واحد است (حوزه هنری، ۱۳۷۱: ۵۲).

تمام این اسناد و گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهد در سال‌های انقلاب اسلامی، مساجد محل تجمیع همفکران و بخشی از فعالان جامعه برای همفکری و تبادل آرا بر مبنای الگوهای ارزشی اسلامی بوده است. البته لازم به ذکر است که گزارش‌های بالا به‌خوبی نشان می‌دهد برخی از مساجد، چنین نقشی را با مشارکت حوزه‌های علمیه ایفا نمودند.

آموزش الگوهای ارزشی متضاد در حوزه اجتماعی و سیاسی به مردم

در این مرحله، الگوهای ارزشی جدید در قالب سخنرانی، برگزاری کلاس‌های پرمخاطب، ترویج کتاب‌های خاص، انجام فعالیت هنری و حتی برگزاری همایش به مردم آموزش داده شده است که در اینجا نمونه‌هایی از هر کدام ذکر می‌شود:

سخنرانی روحانیان بر منبر

سخنرانی رایج روحانیان در مساجد به‌ویژه در ماه‌های محرم، صفر، رمضان و مناسبت‌های مذهبی صورت می‌گرفته اما جعفریان بر اساس اسناد ساواک معتقد است:

حلقه‌ای از منبری‌های مذهبی در تهران و شهرستان‌ها، هم‌زمان و به‌طور منظم، از اواخر دهه ۴۰ شروع به کار کرد که رسالت اصلی آن طرح مباحث اجتماعی و سیاسی در دل مباحث به‌ظاهر مذهبی بود. گزارش ساواک حاکی است در تاریخ ۱۳۴۸/۱۰/۸ مجلسی در منزل محمدجواد باهنر تشکیل می‌شود که در آن شهید مطهری، شهید محلاتی، مهدوی‌کنی، علی‌اصغر مروارید، اکبر هاشمی‌رفسنجانی، سیدعلی غیوری، شیخ‌جعفر شجونی و لاهوتی شرکت می‌کردند. هدف آنان هماهنگ کردن برنامه اعزام مبلغ به روستاهاست که کار را میان خود تقسیم کنند. این جلسه‌ها به‌صورت هفتگی برگزار می‌شده است. مانند همین برنامه و طی همین دوره و پس از آن، برای مساجد تهران و

سخنرانی در آنها، در جلسه‌هایی که به صورت مخفیانه برگزار می‌شده، اجرا شده است (۱۳۸۵: ۲۶۵-۲۶۴).

در سند شماره ۱۲۵۲۰/۱۵۷۸۰ ساواک تهران در مورد فعالیت‌های آیت‌الله مفتاح آمده است:

نامبرده بالا در حدود ساعت ۱۳:۰۰ روز ۵۱/۸/۷۷ در مسجد الجواد به منبر رفت و ضمن صحبت اظهار داشت... من امروز می‌خواهم درباره حکومت اسلام سخن بگویم... دین اسلام بر چهار پایه محکم استوار است و مانند حکومت‌های دیگر دارای قانون اساسی است و قانون اساسی اسلام قرآن کریم می‌باشد که در آن از قضاوت، سیاست، اقتصاد، علوم اجتماعی، روابط بین‌المللی، علوم قضایی و تمام موضوعات بحث شده است. دومین رکن حکومت اسلام دعوت به اتحاد و اتفاق است... (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۲، ج ۲۶: ۲۴۹).

البته همان‌گونه که جعفریان معتقد است، این فعالیت‌ها به تهران ختم نمی‌شد. فعالیت‌های سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد در مسجد خادم مشهد (میزبانی و دیگران، ۱۳۸۳: ۳۶) و آیت‌الله قاضی طباطبایی در دو مسجد شعبان و مقبره تبریز (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸، ج ۱۳: ۴۰۷-۴۰۶) نیز قابل توجه است.

برگزاری کلاس‌های آموزشی

پیش‌تر در مورد کلاس‌های محدود و نسبتاً مخفی که نشان‌دهنده تجمیع همفکران و تبادل آرا میان آنها بود، اشاره شد؛ اما در اینجا منظور ما کلاسی پرشور و پرمخاطب است که صبغه آموزش عمومی داشته و در آن به ترویج الگوهای ارزشی متضاد با نظام اجتماعی حاکم در میان مردم می‌پرداختند. برای مثال مسجد کرامت مشهد محل فعالیت آیت‌الله خامنه‌ای بود که بر اساس اسناد ساواک، «پس از اتمام نماز، آیاتی از قرآن را که مورد نظرش بود، تفسیر می‌نمود. چند روز قبل به وی تذکرات لازم داده شد...» (میزبانی و دیگران، ۱۳۸۳: ۳۶). محمدعلی مهدوی‌راد از مبارزان مشهد ذکر می‌کند:

آقای خامنه‌ای روزهای پنج‌شنبه و جمعه در مدرّس مدرسه میرزاجعفر و سپس در مسجدی در پایین خیابان نزدیک مدرسه ابدالخان و آنگاه در همان خیابان و در مسجد قبله تفسیر می‌گفت. تفسیری بسیار پرشور حرکت‌آفرین و جهت‌دهنده... مسجد امام حسن (ع) یکی دیگر از پایگاه‌های وی بود و بحث‌های نهج‌البلاغه همین مسجد و سخنرانی‌های پرشور مناسبت‌ها در این مسجد بسیار بیدارگر بود (جعفریان، ۱۳۸۵: ۲۵۴-۲۵۳).

مسجد هدایت تهران نیز که در سال ۱۳۲۷ شمسی تأسیس شد، با مدیریت آیت‌الله طالقانی و درس تفسیر مشهور ایشان که وجهه اجتماعی و سیاسی داشت، مخاطبان بسیاری را به دور خود جمع کرد که برخی از آنان، بعدها از انقلابیون مؤثر شدند، همچون شهید رجایی، شهید چمران و مرحوم دکتر حسن حبیبی. وجهه اجتماعی این جلسه‌ها، موجب شد نهایتاً رژیم شاه درس را تعطیل کرد و ایشان را به زندان انداخت (سعیدی، ۱۳۸۳). این رویه در میان بسیاری از مساجد دیگر نیز نفوذ کرد. به همین خاطر بود که در گزارشی از ساواک آمده است:

با توجه به اینکه اخیراً رسم شده است در اغلب مساجد علاوه بر وعظ و تبلیغ، جلسه‌های دیگری نیز تحت عنوان تفسیر قرآن و تدریس زبان عربی تشکیل می‌شود و عده‌ای از جوانان و طبقات دیگر در این جلسه‌ها شرکت می‌کنند، اگر امام جماعت هر مسجدی جزء مخالفان دولت باشد، سعی خواهد کرد افکار شرکت‌کنندگان در این قبیل جلسه‌ها را به دلخواه خود پرورش دهد (میزیانی و دیگران، ۱۳۸۳: ۴۳-۴۲).

ترویج کتاب‌های خاص

در سال‌های انقلاب اسلامی، فعالیت آموزشی و فرهنگی مساجد به قدری گسترش یافت که در سند شماره ۱۷۸ از آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی در مورد کتابخانه‌های مساجد آمده است: «دستور فرماید به‌نحو مقتضی تحقیق نموده، صورت مساجد، انجمن‌های اسلامی یا سایر محل‌های مذهبی حوزه استحضاطی آن ساواک را که دارای

کتابخانه می‌باشد، با ذکر تعداد تقریبی کتاب‌ها، تهیه و گزارش نمایند. رئیس ساواک تهران، پرنیان‌فر» (همان: ۳۱).

انجام فعالیت‌های هنری

همچنین نیروهای انقلابی از اجرای نمایش جهت آموزش مطالب اجتماعی و سیاسی بر مبنای فکری و فرهنگی اسلامی به مردم استفاده می‌کردند که در سند شماره ۳۱۲/۱۱۵۰۸ اداره کل سوم ساواک خراسان ثبت شده است:

اخیراً مشاهده می‌شود بعضی از جلسه‌های مذهبی تحت تأثیر افراد ناراحت، مبادرت به اجرای نمایشنامه‌هایی می‌نمایند که حاوی مطالب تحریک‌آمیز و گمراه‌کننده می‌باشد... خواهشمند است دستور فرمایید من بعد، از اجرای هرگونه نمایشنامه در جلسه‌های مذهبی، مساجد و کانون‌های دینی ممانعت به عمل آمده و نتیجه را به موقع به این اداره کل اعلام نمایند (همان: ۱۱۳).

عده‌ای از روحانیان پس از تبعید امام خمینی^(ره) از ایران نیز در مساجد به برگزاری جلسه‌های شعر با موضوع هجران و دوری امام از وطن پرداختند و این روش را برای آگاه‌سازی مردم انتخاب کردند (همان: ۳۵-۳۴).

برگزاری میتینگ و همایش برای ترویج دیدگاه‌های اجتماعی و سیاسی

در بولتن محرمانه ساواک مربوط به اخبار شش ماهه ۱۳۵۴/۷/۱ تا ۱۳۵۵/۱/۱ آمده است:

روز ۵۴/۱۱/۳ مجلس دعایی به منظور ابراز همدردی با مسلمانان لبنان با شرکت عده‌ای از روحانیون و طلاب علوم دینی و مردم، در مسجد امام شهر قم از طرف آیت‌الله گلپایگانی تشکیل شد. در این مجلس ابتدا یک نفر لبنانی، به زبان عربی برای حاضرین در مجلس سخنرانی نمود، سپس یکی از روحانیون ضمن اشاره به وضع شیعیان لبنان، به مسیحیان و دولت اسرائیل حمله کرد و برای پیروزی مسلمانان دعا نمود. سپس کمک مالی برای شیعیان لبنان جمع‌آوری شد (حوزه هنری، ۱۳۷۱: ۱۴۰).

جلسه ۱۰ هزار نفری در مسجد عزیزالله تهران با حضور سفرای خارجی و وعظ ایرانی پیرامون مسائل جهان اسلام نیز قابل تأمل است (مهری، ۱۳۸۳: ۲۸۸). مستندات یادشده نشان می‌دهد یکی از برجسته‌ترین فعالیت مساجد در سال‌های انقلاب اسلامی، آموزش اجتماعی و سیاسی مردم از طریق تعلیم معارف اسلامی در این حوزه بوده است. از این طریق، الگوهای ارزشی متضاد با نظام اجتماعی حاکم در میان بخش وسیعی از مردم ترویج شد و نوعی دویارگی و عدم تعادل در نظام فرهنگی آن دوره شکل گرفت.

انتقاد به سیاست‌های حاکم بر نظام اجتماعی، بر مبنای الگوی ارزشی متضاد

پیش‌تر گفتیم که پس از شکل‌گیری گروه‌های همفکر و آموزش الگوهای ارزشی متضاد با نظام فرهنگی حاکم، تضاد میان این الگوهای جدید با نظام اقتصادی، حقوقی و سیاسی حاکم که با الگوهای فرهنگی گذشته متناسب بود، رخ نمود. بر این اساس روحانیان و فعالان اجتماعی در مساجد با استفاده از سخنرانی، نشر اعلامیه، پخش نوار صوتی و مانند آن به انتقاد از سیاست‌های حاکم بر نظام اجتماعی دوره پهلوی دوم پرداختند و حتی عملاً به تجمع، راه‌اندازی تظاهرات و درگیر شدن با نیروهای رژیم شاه اقدام کردند. فوکو در یادداشت‌های خود از مشاهده‌هایش در تهران مطلبی را ذکر کرده که نشان‌دهنده نقش گفتمان متضاد روحانیان با نظام حاکم در بسیج افکار عمومی و نیروهای اجتماعی علیه رژیم شاه است:

روحانیان سرچشمه یک تسلائی دائمی‌اند: ایشان باید بیدار را نفی کنند، از دولت انتقاد کنند، بر ضد اقدام‌های ناشایست برخیزند، نكوهش کنند و رهنمود بدهند... مذهب شیعه... شکلی است که مبارزه سیاسی، همین که لایه‌های مردمی را بسیج کند، به خود می‌گیرد و از هزاران ناخرسندی، نفرت، بینوایی و سرخوردگی، یک نیرو پدید می‌آورد و به این دلیل این همه را به صورت یک نیرو درمی‌آورد که خودش یک صورت بیان است، یک شیوه با هم بودن است،

نوعی گفتمان است، چیزی است که از راه آن می‌توان صدای خود را به گوش دیگران رساند و با ایشان، هم‌زمان با ایشان، هم‌خواست شد (۱۳۸۹: ۳۲-۳۱).

از همین روست که در جای جای اسناد به‌جا مانده از دوران انقلاب اسلامی به مواردی برمی‌خوریم که مساجد نسبت به تحولات سیاسی و وضعیت اجتماعی، به انتقاد پرداخته، مردم را به نوعی واکنش شکل داده و به حکومت منتقل کرده و نهایتاً با برگزاری تجمع‌های بزرگ یا تظاهرات مسالمت‌آمیز و گاهی خشونت‌آمیز یا تهدید به برگزاری آن، به حکومت فشار آورده‌اند. طبیعی است این‌گونه اقدام‌ها نقشی مؤثر در تسری تضاد و عدم تعادل از کارکرد چهارم نظام اجتماعی به سایر کارکردها و نهادهای مربوطه یعنی نظام اقتصادی، حقوقی و سیاسی داشته است، زیرا روحانیان از منظر الگوهای ارزشی متضاد در حوزه فرهنگی به نقد نظام فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و حقوقی حاکم پرداخته‌اند. اکنون به برخی از اسناد و نمونه‌های مستند در این‌باره اشاره می‌شود:

سخنرانی در مسجد و تحلیل انتقادی از اقدام‌های رژیم

انتقاد از سیاست‌های حاکم طبیعتاً اول از همه در سخنرانی رایج روحانیان بر منابع ظهور کرد. انتقاد و فشار به حکومت توسط آیت‌الله قاضی طباطبایی در مساجد تبریز به‌ویژه مسجد شعبان تا زمان دستگیری ایشان در مورخ ۱۳۴۲/۹/۱۳ بارها در اسناد ساواک ذکر شده است که از آن جمله اعتراض در مورخ ۱۳۴۲/۸/۱۷ نسبت به اعدام طیب حاج‌رضایی، انتقاد از دولت به‌دلیل اسراف بیت‌المال در تاریخ ۱۳۴۲/۸/۲، محکوم کردن اقدام رژیم در به خاک و خون کشیدن تظاهرات در تهران مورخ ۱۳۴۲/۷/۲۵ و... است (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸، ج ۱۳: ۶۷-۲۷).

یکی از مهم‌ترین سخنرانی‌های انتقادی حجت‌الاسلام فلسفی در ۲۵ دی ۱۳۴۴ شمسی در مسجد عزیزالله تهران برگزار شد که طی آن، سخنران در حضور نخست‌وزیر و ریاست شهربانی وقت، به‌شدت از مقاله‌های ضددینی مطبوعات، زندانی کردن فعالان

سیاسی و تصویب قوانین غیراسلامی در کشور انتقاد کرد (مهری، ۱۳۸۳: ۱۸۵؛ مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ج ۹، ۱۳۷۸: ۲۹۷-۲۹۴).

در سند شماره ۱۷۸ ساواک در آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آمده است: «در مسجد جامع گرمسار، سخنرانی به نام جواد خاتون آبادی واقعه کشتار مردم را در قم، به عاشورای حسینی تشبیه و مردم را به اتحاد و مبارزه دعوت کرد» (میزبانی و دیگران، ۱۳۸۳: ۵۴). آیت الله صدوقی نیز در مسجد حظیره یزد، بارها از اقدام‌های حکومت انتقاد کرد. از آن جمله می‌توان به سند ساواک مربوط به سخنان وی بر منبر همان مسجد در ساعت ۲۰:۳۰ روز ۱۳۵۷/۲/۱۰ اشاره کرد که گفت:

آیا دولتی که این همه اسلحه در اختیار دارد باید به مصرف کشتن ملت برساند؟ آیا مگر ما جزء ملت نیستیم؟ اگر دولت با مردم مدارا کند و به خواسته‌های آنان پاسخ دهد هیچ فردی کوچک‌ترین تظاهراتی نخواهد کرد... ما مخالف کارهای زشت و برنامه‌های غلط دولت هستیم... (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۷، ج ۲: ۱۴۵).

طبق اسناد ساواک، در سال‌های نیمه اول دهه ۱۳۵۰ شمسی، تقریباً در هر ماه، یکی از وعاظ و ائمه جماعت به خاطر اعتراض به اقدام‌های رژیم شاه ممنوع‌المنبر، شده است و چند برابر آن، دستگیر یا تبعید شدند و چند تن نیز به شهادت رسیدند که از آن جمله حجت‌الاسلام حسین غفاری است (حوزه هنری، ۱۳۷۱: ۱۱۴-۱۱۳).

بخش اعلامیه‌های انتقادی

روحانیان و فعالان فکری مساجد به مخاطبان مسجدی خود اکتفا نکرده و از فناوری‌های روز برای رساندن پیام انتقادی خود به دیگران سود می‌جستند. در سند شماره ۶۰ در کلاس ۱۸۷ به تاریخ ۱۳۵۶/۱۲/۱۰ از آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی از زبان یکی از مخبران ساواک در بجنورد آمده است:

طلبه ولی‌الله مداح، اظهار داشته آقای حسینی در تعطیلی‌ها... چند نواری از

سخنرانی‌های خلخال‌ی و چند نفر دیگر که در مجلس روح‌الله خمینی ضبط شده بود، به مسجد فاطمی آورده و برای طلبه‌ها می‌گذارد. وی ادامه داده شیخ ابراهیم اسفیدانی نسبت به ۶۶ [=شاه] حرف‌هایی می‌زد که پشت همه را می‌لرزاند....

در سال ۱۳۴۲ شمسی، گزارشی در ساواک به ثبت رسیده که اشاره روشنی به پخش اعلامیه‌های اعتراضی دارد:

در هفته آخر مردادماه، فعالیت روحانیون شدید بود و مرتباً از قم و سایر نقاط، عده‌ای به مشهد رفت و آمد می‌کردند و [حجت‌الاسلام] قمی در منبر اظهارات اهانت‌آمیزی می‌نمود و در همین موقع پنج نوع اعلامیه در مسجد گوهرشاد پخش شد. استاندار و فرمانده لشکر شدیداً عصبانی شده بودند.

پخش گسترده و سریع اعلامیه به همین شکل در مناسبت‌های مختلف، از مسجد حظیره یزد، مسجد جامع شیراز، مسجد درویش‌ها در خراسان و مساجد متعدد در تهران، کرج، آبادان، بندرعباس و... توسط ساواک گزارش شده است (میزبانی و دیگران، ۱۳۸۳: ۵۲-۴۹). همچنین در سند دیگری به تاریخ ۱۳۵۷/۵/۲۰ از توزیع اعلامیه در اطلاع‌رسانی و تحلیل اقدام‌های منفی رژیم شاه در مسجد امام حسن مجتبی (ع) واقع در خیابان پهلوی شهر بجنورد گزارشی آمده است (پایدار و دیگران، ۱۳۸۵: ۴۵۶-۴۵۵).

استفاده از فعالیت‌های مذهبی برای اعتراض

یکی از ترفندهای جالب توجه در مساجد برای ابراز انتقاد از سیاست‌های حاکم، تغییر کاربری فعالیت‌های مذهبی بود. جواد مقصودی از اهالی مساجد بازار تهران در مورد فعالیت‌های این مساجد در انقلاب اسلامی و چگونگی استفاده از فضای مسجد در این راستا می‌گوید:

دوستان ما کسانی بودند که از هر فرصتی برای مقابله با رژیم استفاده می‌کردند، مجلس ختم می‌گرفتند، سخنانش چه جور باشد، محل عزاء، محرم، صفر و رمضان باشد، اینها همه مترصد بودند، مناسبت‌هایی که می‌آید بر مبنای

آن مناسبت‌ها، آن جهت‌گیری که لازم است علیه رژیم صورت بگیرد انجام بدهند، حتی اگر آنجا یک سینه‌ای بخوانند بزنند یک نوحه‌خوان بخواند نوحه بخواند و دم بگیرد اینها همان دم‌های سیاسی روز را می‌گرفتند، دم‌های به اصطلاح امام حسین^(ع) و کربلا را نمی‌گرفتند، دم‌های فیضیه را و اشعار فیضیه را می‌خواندند و سینه می‌زدند. یک تهییج به جهت مقابله با رژیم منحوس پهلوی این بود (مهری، ۱۳۸۳: ۲۶-۲۵).

یکی از نمونه‌های مهم در این زمینه، در ماجرای لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی رخ داد که چهار تن از علمای تهران شامل حضرات آیات سیدمحمد بهبهانی، سیداحمد خوانساری، شیخ محمدرضا تنکابنی و شیخ محمدتقی آملی تصمیم گرفتند جلسه‌دعایی با اجتماع عظیم مردمی در مسجد سید عزیزالله تهران در روز اول رجب که در آذر ۱۳۴۱ شمسی واقع شده بود، برپا کنند که رژیم به شدت از آن وحشت و لایحه را ملغی اعلام کرد (همان: ۱۵۳-۱۴۶).

مبارزه منفی

مساجد بر خلاف محافل مارکسیستی، سعی می‌کردند با توجه به توصیه امام خمینی^(ره)، با تجمع‌های مسالمت‌آمیز و تظاهرات اعتراضی ولی آرام، از تنش و خشونت در جریان انقلاب یا روی آوردن مبارزان به جنگ مسلحانه جلوگیری کنند. این مسئله موجب شد برخی از علما به مبارزه منفی علیه رژیم روی بیاورند و اعتراض خود را با تعطیل کردن پخش اذان و نمازجماعت نشان دهند.

در سال ۱۳۴۱ شمسی، امام خمینی^(ره) در اعتراض به انقلاب سفید شاه، مردم را در ماه رمضان به ترک حضور در مساجد دعوت کرد و این نوع مبارزه منفی، بارها مخصوصاً در سال ۱۳۴۳ شمسی و همچنین سال ۱۳۵۷ شمسی در سالگرد واقعه ۱۵ خرداد و نیمه شعبان به کار گرفته شد (میزبانی و دیگران، ۱۳۸۳: ۳۹). برای مثال در اعلامیه آیت‌الله قاضی طباطبایی، سیدحسن انگجی و عبدالحمید شریبانی در تاریخ ۱۳۵۷/۳/۲۷ به مناسبت چهلمین روز شهادت جمعی از انقلابیون تبریز آمده است: «روز

چهارم، شنبه ۱۱ رجب را با سکوت و خانه نشینی و طلب خیر مسئلت به شهدا می گذاریم و با توسل به ناحیه مقدس حضرت ولی عصر ارواحنا فداه و رفع گرفتاری‌ها و علو حکم اسلام و مسلمین و خذلان بدبینان، بدکاران و بداندیشان را مسئلت داریم. *اینه کریم مجیب* (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸، ج ۱۳: ۴۳۶).
پیش از آن نیز در پی حوادث ۱۹ و ۲۰ اردیبهشت در قم از جمله حمله به منزل مراجع، نمازجماعت مساجد به نشانه اعتراض، تعطیل شد (حسینیان، ۱۳۸۵: ۲۲۰).

تجمع اعتراض آمیز در مسجد

با توجه به فشار افکار عمومی در صورت تعرض نیروهای رژیم به اماکن مقدس مانند مساجد، بسیاری از تجمع‌های اعتراض آمیز در مساجد شکل می گرفت. برای مثال در سند شماره ۳۷۷۹/ق ساواک خراسان می خوانیم:

متحصنین در مسجد شیروان با استفاده از بلندگوهای مسجد شعارهای ضدملکی داده و تمام مردم شهر شیروان و روستاها، در اطراف مسجد اجتماع کرده و از شنیدن شعارهای ضدملکی به شدت ناراحت و عصبانی می باشند. فرماندار و رئیس شهربانی در محل نمی باشند، بخشدار قادر به اخذ تصمیم نمی باشد. چنانچه برق مسجد قطع گردد، پنخس شعارهای ضدملکی قطع شده، مقرر فرمایید از طریق استانداری در این مورد به اداره برق شیروان دستور لازم داده شود (میزبانی و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۳۱).

همچنین یکی از مهم ترین تجمع‌ها در آستانه انقلاب اسلامی، تحصن در مسجد دانشگاه تهران بود که توسط تعدادی از روحانیان کلید خورد و با حمایت دانشجویان ادامه یافت و تأثیر زیادی بر باز شدن فرودگاه مهرآباد و ورود رهبر انقلاب اسلامی به ایران داشت (همان: ۵۸).
نمونه‌ای دیگر، شهادت حاج آقا مصطفی خمینی است که در پی آن، مسجد مولانا در شیراز (یاران امام به روایت ساواک، دستغیب، ۵۰۹)، مسجد احمدیه نارمک تهران پس از سخنرانی آیت الله محمدتقی جعفری، مسجد ولی عصر^(عج) در تهران و مسجد

قلعه بیگی در تبریز به رهبری حجت‌الاسلام سیدمهدی امینی محل تجمع مردم و اعتراض علیه اقدام رژیم و طرف‌داری از امام خمینی^(ره) قرار گرفت و پس از محاصره، بسته شد (همان، جعفری، ۲۲۵).

تحریک مردم، تهدید به تظاهرات و مانند آن

انتقاد فعالان مساجد به سیاست‌های رژیم گاهی در بُعد عملی نیز جریان می‌یافت و علاوه بر تجمع، به تظاهرات و اعمال فشار بر رژیم نیز می‌کشید. برای مثال در سند شماره ۲۲۱۴۱ اداره دوم ستاد بزرگ ارتش‌تاران تبریز آمده است:

ساعت ۱۹:۰۰ روز چهارشنبه ۴۲/۷/۲۴ آقای سید محمدعلی طباطبایی در مسجد شعبان [تبریز] پس از ادای نمازجماعت به منبر رفته ضمن بیانات مذهبی گفت که... حکومت جبار بداند چنانچه آقای خمینی آزاد نشود مسلمانان ایران برای آزادی ایشان دنیا را زیر و رو خواهند کرد (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸، ج ۱۳: ۶۱).

در بولتن دیگری مربوط به اخبار ۵۵/۱۲/۲۱ تا ۵۶/۶/۲۱ آمده است:

روز ۳۶/۶/۴ [= ۱۳۵۶] دو نفر و عاظ به اسامی سید علی دستغیب و علی محمد دستغیب در مساجد الرضا و آتشی‌های شهر شیراز هنگامی که به مناسبت ماه مبارک رمضان سخنرانی می‌کرده‌اند در خلال سخنرانی خود مطالب انتقادی و تحریک‌آمیز علیه برنامه‌های جشن هنر شیراز اظهار داشته‌اند. آیت‌الله بهاء‌الدین محلاتی روحانی مقیم شیراز در مسجدی که اقامه نماز می‌کند مطالبی در این خصوص عنوان کرده و گفته: «چنانچه امشب برنامه جشن هنر شیراز تعطیل نشود فردا... مساجد و بازار تعطیل خواهد شد» (حوزه هنری، ۱۳۷۱: ۱۸۳). چنین اقدامی در مخالفت با جشن هنر شیراز نیز تکرار شده است (همان: ۲۵۹).

گزارش فرمانده ژاندارمری خراسان به تاریخ ۱۳۵۷/۵/۲۵ نیز از تظاهراتی خبر می‌دهد که پس از ختم روضه‌خوانی در مسجد امام حسن مجتبی^(ع) توسط جوانان بجنوردی به راه افتاده و

با واکنش خشن ژاندارمری سرکوب شده و عده‌ای نیز دستگیر شده‌اند. این یکی از مهم‌ترین راه‌پیمایی‌های شهر بجنورد در انقلاب اسلامی بود که توسط یکی از فعال‌ترین مساجد شهر و با هدایت حجج اسلام ارحامی و ایوبی سازمان‌دهی شد (پایدار و دیگران، ۱۳۸۴: ۴۵۷).

درگیر شدن با نیروهای رژیم

مسجد آیت‌الله صدوقی در یزد در سال ۱۳۵۷ شمسی از تجمع و تظاهرات، گذشته و عملاً به سنگر مبارزه خونین با رژیم تبدیل شده بود. ایشان در اردیبهشت و خرداد آن سال، طی دو شب از مردم بیعت گرفت که:

به من اطلاع داده شده که چند ماشین سرباز به یزد آمده است تا در فرصت مناسبی به مسجد بریزند و شما را بزنند و بکشند و دستگیرتان کنند. اول اینکه خدا کند دروغ باشد ولی اگر خدای نکرده راست باشد من می‌خواهم با شماها اتمام حجت کنم یعنی هر کس طاقت کتک خوردن و در خاک و خون غلتیدن ندارد از فردا شب دیگر در این مجلس ما شرکت نکند و یک اتمام حجت بود (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۷، ج ۲: ۱۶۲، ۱۹۴ و ۲۵۰).

همه این گزارش‌ها و اسناد تاریخی نشان می‌دهد در آن دوره، یکی از نهادهای فعال در انتقاد از رژیم و تحریک مردم علیه رژیم بر مبنای ارزش‌های اسلامی و متضاد با نظام اجتماعی حاکم، مساجد بودند. مساجد چنین نقشی را با استفاده از روش‌های مختلف به‌ویژه جهت‌دهی انتقادی به برنامه‌های مذهبی و برگزاری تجمع و تظاهرات صورت دادند.

کارکرد پنهان مساجد: شکل دادن به یک شبکه اطلاع‌رسانی و از کار انداختن

رسانه‌های رژیم

همه آنچه بیان شد، موجب شد مساجد در این دوره یک کارکرد پنهان نیز ایفا کنند و آن سازمان‌دهی مبارزان انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نوعی شبکه اطلاع‌رسانی در مسائل اجتماعی و سیاسی بود که عملاً رسانه‌های حاکم را در میان توده‌های مبارز، از

کار انداخت. گزارش‌های به‌جا مانده از دوران انقلاب اسلامی نشان می‌دهد ارتباط رسانه‌ای دولت با بخش عظیمی از مردم که تحت مدیریت مساجد و نیروهای انقلابی هستند، سست شده است و عملاً تصاویر ذهنی این افراد از شخصیت‌ها، وقایع و پدیده‌ها توسط فعالان در مساجد شکل می‌گیرد.

به‌عنوان نمونه، استمپل در کتاب خود، به شکست انحصار رسانه‌ای دولت و محدودیت آموزش‌های سیاسی به‌دست آن اشاره می‌کند و می‌نویسد:

در بقیه سال ۱۹۷۷ [= ۱۳۵۶ شمسی]... برای اولین بار شبکه مسجد تأثیر خود را به مخالفان اثبات نمود و به نهضت آزادی اجازه داد تا دستورها و پیام‌هایش را به طرفداران خود منتقل کند. در نتیجه، شهروندان عادی از یک منبع اطلاعاتی دیگر که به دولت وابستگی نداشت از جریان امور آگاه شدند... این گروه‌های اصلی، حوادث را برای پیروان خود و سایر کسانی که علاقه‌مند بودند، تفسیر می‌کردند و این امر برای تبلیغ مسائل سیاسی، جانشین رسانه‌های گروهی دولت شده بود که خبرها را کنترل می‌کرد (۱۳۷۷: ۱۳۰-۱۲۹).

فوکو نیز در مشاهده‌های خود از آبادان در سال ۱۳۵۷ شمسی، دو دولت را در ایران

توصیف می‌کند:

یک شبکه اطلاعاتی تمام‌عیار، شبکه‌ای که بر اثر ۱۵ سال تاریک‌اندیشی برقرار شده و مرکب است از تلفن، نوار ضبط صوت، مسجد و منبر، دفتر کار و کلا و محفل‌های روشنفکران. من طرز فکر یکی از این «سلول‌های بنیادی» اطلاعاتی را نزدیک مسجدی در آبادان به چشم دیدم. از چند فرش که می‌گذاشتی، آرایش، همان آرایش همیشگی فقر مفرط بود. ملا، که به قفسه‌ای از کتاب‌های دینی تکیه کرده بود و دورش را ۱۲-۱۰ مرید گرفته بودند، تلفنی کهنه‌کار داشت که دائم زنگ می‌زد: در اهواز از کار دست کشیده‌اند، در لاهیجان چند نفر کشته شده‌اند و غیره. درست در همان وقتی که مدیر روابط عمومی شرکت ملی نفت ایران داشت جلوی خبرنگاران «واقعیت جهانی» اعتصاب را سر هم می‌کرد: «به درخواست‌های

اقتصادی پاسخ مثبت داده شده، هیچ شرط سیاسی وجود ندارد، کار به نحو وسیع و مداومی از سر گرفته شده» می‌شنیدم که ملا هم به نوبه خودش داشت «واقعیت ایرانی» همان رویداد را سر هم می‌کرد: «هیچ نوع درخواست اقتصادی در کار نیست، خواست‌ها همه سیاسی است» (۱۳۸۹: ۵۹-۵۸).

مانند همین مورد در اسناد ساواک نیز آمده است که «تعداد کشته‌شدگان حادثه مورخه ۳۷/۱/۱۰ [=۱۳۵۷] یزد ۲ نفر و مجروحان ۱۰ نفر می‌باشد در صورتی که شیخ محمد صدوقی تعداد کشته‌شدگان را ۱۰ نفر و مجروحان را ۵۰ نفر اعلام نموده است...» (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۷، ج ۲: ۱۰۸).

همچنین در گزارش ۱۲۲ ساواک در آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی آمده است:

لشگر^[۲] معتقد است که امر نماز جماعت و نشان دادن عده‌ای پیرو از راه جمع شدن آنها برای نماز جماعت در شبانه‌روز، دو مرتبه، نمایش قدرتی آن به مراتب بیشتر از مجلس سوگواری است که عده‌ای معدود در منزلی جمع می‌شوند و روی همین اصل بود که لشگر موضوع را خیلی جدی گرفته... (میزبانی و دیگران، ۱۳۸۳: ۴۱).

این گزارش‌ها نشان می‌دهد در کشور، دو نیروی جداگانه در حال فعالیت هستند و بخش عظیمی از مردم، اخبار و تحلیل‌های مساجد را گوش می‌کنند، تاریخ قمری و نه شاهنشاهی را جهت تنظیم زندگی خود استفاده می‌کنند و به دستورهای امام جماعت و نه دولت عمل می‌کنند و این همه نشان‌دهنده شکل‌گیری یک راه ارتباطی جدید و از کار افتادن رسانه‌های رسمی است. لازمه برعهده گرفتن چنین نقش مهم و اثرگذاری، سازمان‌یابی قدرتمند و گسترده است.

مساجد در دوره انقلاب اسلامی از سازمان‌دهی قدرتمندی برخوردار بودند که آنان را قادر به انجام هر چه بهتر کارکرد پنهان‌یافته (و کارکردهای گفته‌شده در محورهای سه‌گانه کژکارکرد فرهنگی) می‌نمود. سازمان‌دهی شبکه مساجد در سراسر کشور، نموده‌های مختلفی داشته که برخی از آنان عبارت‌اند از:^[۳]

برگزاری جلسه‌های هفتگی در هر شهر با حضور ائمه جماعت و روحانیان (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۳۴۷)، اقدام‌های هم‌زمان و یکسان در اعتراض به اقدام‌های رژیم مانند امتناع از برگزاری نماز جماعت و تدریس (میزبانی و دیگران، ۱۳۸۳: ۴۰؛ نظری مقدم، ۱۳۹۰: ۸۲)، ایجاد یک نظام ارتباطی جهت پخش اعلامیه‌ها، کتاب‌ها و مانند آن (دفتر بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۷، ج ۲: ۱۴۴)، هماهنگی در جذب نیروهای جدید برای هدایت مساجد (میزبانی و دیگران، ۱۳۸۳: ۲۹)، هماهنگی در موضوع سخنرانی در مساجد (مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸، ج ۱۳: ۳۹۹) و نهایتاً ایجاد ساختار نهادینه ولی غیررسمی برای مدیریت مشترک بر اقدام در کشور و شهرهای بزرگ.

ساختار مدیریت فعالیت‌های مساجد و سازمان روابط آنها در سطح ملی و محلی نیز بسیار حائز اهمیت است. در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ شمسی، رهبری مبارزه در تهران بر عهده شورایی شامل آیت‌الله بهشتی، حجت‌الاسلام باهنر، آیت‌الله مفتاح و آیت‌الله مطهری بود. این افراد با روحانیان برجسته در شهرهای دیگر در ارتباط بودند. مبارزه‌ها در هر شهر، یک پایگاه مرکزی در یکی از مساجد داشت. مسجد قبا به امامت آیت‌الله مفتاح در تهران، مسجد جامع به امامت آیت‌الله دستغیب در شیراز، مسجد سید به امامت آیت‌الله طاهری در اصفهان، مسجد صدیق‌ها و مسجد امام حسن^(ع) به امامت آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله طبری و حجت‌الاسلام هاشمی نژاد در مشهد، مسجد روضه محمدیه (حظیره) به امامت آیت‌الله صدوقی در یزد و... چنین نقشی را ایفا می‌کردند. علاوه بر آن در شهرهای بزرگ، با تقسیم مناطق شهر و قرار دادن یک مسجد به‌عنوان پایگاه مرکزی در آن منطقه، اقدام‌های مرتبط با نهضت را از تظاهرات گرفته تا پخش اعلامیه مدیریت می‌کردند (میزبانی و دیگران، ۱۳۸۳: ۴۶-۴۵).

این مطالب نشان می‌دهد مساجد در دوران انقلاب اسلامی از ساختاری نسبتاً

منسجم برخوردار بودند که یک دفتر مرکزی در کشور، شعبه‌های شهری و محله‌ای دارد. چنین ساختار منسجمی بود که مساجد را به ایفای مؤثر کارکرد پنهان یادشده و کژکارکرد فرهنگی در محورهای سه‌گانه گذشته قادر ساخت.

نتیجه‌گیری

با توجه به نظریه‌های پارسونز و مرتن و نمونه‌های تاریخی ارائه‌شده در مورد فعالیت‌های مساجد در سه بخش تجمیع و تبادل آرای همفکران، آموزش الگوهای ارزشی جدید به مردم، انتقاد از رژیم و سیاست‌های حاکم بر نظام اجتماعی بر مبنای الگوهای ارزشی جدید، مشخص شد که مساجد در سال‌های انقلاب اسلامی تلاش گسترده‌ای برای ترویج الگوهای ارزشی و انگیزشی جدید و متضاد با الگوهای ارزشی و انگیزشی حاکم بر نظام اجتماعی ایران در دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ شمسی صورت دادند و سهم قابل ملاحظه‌ای از ایجاد عدم تعادل در آن نظام را به خود اختصاص دادند، گرچه میزان این سهم در کنار حوزه‌های علمیه، دانشگاه، محافل هنری و غیره نیازمند بررسی‌های بیشتر است. امکان انجام این کارکردها زمانی فراهم شد که مساجد توانستند با سازمان ارتباطی منسجمی، فعالیت مبارزان انقلاب اسلامی را در سراسر کشور هماهنگ کنند و رسانه‌های رژیم را در بخش قابل توجهی از جمعیت کشور از کار بیندازند. اقدام اخیر، نشان‌دهنده ایفای یک کارکرد پنهان توسط مساجد در این دوره است.

لازم به ذکر است اگرچه مساجد با توجه به آنچه گفته شد به‌عنوان مؤسسه‌های فرهنگی بر الگوهای ارزشی نظام حاکم اثرگذار بوده و عملاً در یک انقلاب سیاسی مشارکت جستند، اما کارویژه آنها عبادت و پرستش پروردگار است و مسلمانان در اصل برای عبادت پروردگار در این مکان مقدس جمع می‌شوند. در واقع، نگارندگان مدعی لزوم «سیاسی شدن» مساجد نیستند و به نظر می‌رسد این نوشتار بیشتر مدعی امکان

اثرگذاری نهادهای فرهنگی بر نهادهای سیاسی است، نه عکس آن. نگارندگان معتقدند نوشتار حاضر تحلیل مناسبی از جایگاه مساجد در نظام اجتماعی ارائه کرده است و کاوش در دوره بعد از انقلاب اسلامی نیز می‌تواند در استقرار مناسب آن و آسیب‌شناسی این جایگاه مؤثر باشد. در واقع آنچه در این مقاله گفته شد، مقدمه‌ای بود برای تلاش نظری و عملی جهت بهره‌گیری هر چه بیشتر از ظرفیت مساجد به‌عنوان مؤسسه‌ای فرهنگی برای ترویج الگوهای ارزشی و انگیزشی متناسب با جمهوری اسلامی. نویسندگان معتقدند می‌توان با استفاده از منابع غنی اسلامی، تجربه‌های جوامع مدرن غربی و شناخت جامعه ایران، ظرفیت نهفته در مؤسسه‌های اسلامی را دوباره زنده کرد، ضمن اینکه از ظرفیت مؤسسه‌های فرهنگی در نظام مدرن اجتماعی بهره گرفت.

پی‌نوشت‌ها

۱. استفاده از لفظ «مؤسسه» در اینجا به جای «نهاد» از این جهت صورت گرفته است که در ادبیات کارکردگرایانه، نهاد به مجموعه‌ای از نقش‌های اجتماعی مرتبط با یکدیگر اطلاق می‌شود که نیازهای جامعه را در حوزه‌ای خاص برآورده می‌سازد، مانند نهاد آموزش، نهاد اقتصاد، نهاد خانواده و... بنابراین استفاده از لفظ نهاد در مورد مسجد با توجه به چارچوب نظری این مقاله نادرست می‌نماید.
۲. ظاهراً اسم مستعار برای یک گروه خاص از ساواکیان است.
۳. هیچ‌کدام از این موارد، علت تامه برای دیگری نیست از این‌رو در کنار هم آورده شده است. برای مثال نمی‌توان گفت جلسه‌های مشترک میان روحانیان، علت اقدام هم‌زمان علیه رژیم است و مانند آن. همه این هماهنگی‌ها در شبکه‌ای از روابط معنا پیدا می‌کند.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- استمپل، جان. دی.، (۱۳۷۷). *درون انقلاب ایران*. مترجم منوچهر شجاعی، تهران: رسا.
- پایدار، حسین و بیژن پروان، (۱۳۸۴). *انقلاب اسلامی در بجنورد*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- جعفریان، رسول، (۱۳۸۵). *جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی-سیاسی ایران: از روی کارآمدن محمدرضا شاه تا پیروزی انقلاب اسلامی (سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۲۰)*. قم.
- حسینیان، روح‌الله، (۱۳۸۵). *یک سال مبارزه برای سرنگونی رژیم شاه: بهمن ۱۳۵۶ تا بهمن ۱۳۵۷*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- خرمشاد، محمدباقر، (۱۳۸۴). *اندیشمندان علوم اجتماعی و انقلاب اسلامی ایران*. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران (باز).
- دفتر ادبیات انقلاب اسلامی حوزه هنری با همکاری مرکز اسناد وزارت اطلاعات، (۱۳۷۱). *ساواک و روحانیت (۱)*. بولتن‌های نوبه‌ای ساواک از تاریخ ۴۹/۴/۲۵ تا ۵۷/۶/۳۰، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- سعیدی، محسن، (۱۳۸۳). «مسجد هدایت: یادمانی از مبارزات و فعالیت‌های مرحوم آیت‌الله طالقانی»، ماهنامه *زمانه*. شماره پیاپی ۲۲ (تیر): ۴۶-۵۶.
- عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۶۷). *انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن*. تهران: کتاب سیاسی.
- عنایت، حمید، (۱۳۷۷). «انقلاب اسلامی: مذهب در قابل ایدئولوژی سیاسی». ترجمه و تلخیص امیرسعید الهی، ماهنامه *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*. شماره پیاپی ۱۳۸-۱۳۷: ۴۲-۵۱.
- فوکو، میشل، (۱۳۸۹). *ایرانی‌ها چه رؤیایی در سر دارند*. مترجم حسین معصومی همدانی، تهران: هرمس.
- گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۵). *جامعه‌شناسی*. مترجم منوچهر صبوری، تهران: نی.
- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، (۱۳۷۷). *شهید آیت‌الله حاج شیخ محمد صدوقی*. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی.
- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، (۱۳۷۸). *جلوه محراب، شهید آیت‌الله سید محمدعلی قاضی طباطبایی*. تهران: وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی.
- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، (۱۳۷۸). *زبان گویای اسلام، حجت‌الاسلام محمدتقی فلسفی*. تهران: وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی.

مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، (۱۳۸۲). *شهید آیت‌الله دکتر محمد مفتوح*. تهران: وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی.

مهری، فرشید، (۱۳۸۳). *مساجد بازار تهران در نهضت امام خمینی*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

میزبانی، مهناز، منیژه صدری و حشمت‌الله سلیمی، (۱۳۸۳). *نقش مساجد و دانشگاه‌ها در پیروزی انقلاب اسلامی*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

نش، کیت و آلن اسکات، (۱۳۸۸). *راهنمای جامعه‌شناسی سیاسی*. مترجمان محمدعلی قاسمی و قدیر نصری، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

نقیب‌زاده، احمد، (۱۳۸۹). *درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

ب. منابع انگلیسی

Ashraf, Ahmad & Abrahamian, Ervand, (1983). "Bazaar and Mosque in Iran's Revolution". *MERIP Reports*. No. 113: 16- 18.

Ismael, J. S. & Ismael, T. Y., (1980). "Social Change in Islamic Society: The Political Thought of Ayatollah Khomeini". *Social Problems*. Vol. 27, No. 5, University of California: 601-619.